

جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱

دکتر جعفر هزار جریبی^۱، عبدالمجید ارفعی مقدم^۲

چکیده

اهمیت پروسه جهانی شدن در یک توسعه پویا در روابط اقتصادی جامعه جهانی با ورود به سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی و تجارت خارجی در در دهه های اخیر تعیین می گردد. این سوال مطرح می باشد که چگونه رشد اقتصادی بر زمینه های توسعه اجتماعی تاثیر می گذارد و کیفیت زندگی در جوامع بشری را ارتقاء می بخشد. این مطالعه از داده های سریهای زمانی بین سال های ۱۳۶۱ الی ۱۳۹۱ بر اساس یک مطالعه استادی و تاریخی استفاده نموده است. یافته ها اثرات معنی دار و مثبت شاخص های جهانی شدن بر روی شاخص های توسعه اقتصادی ایران را در سه دهه آشکار می کند. نتایج حاکی از تایید اثرات سرمایه گذاری های مستقیم خارجی بر صادرات و واردات و وجود رابطه معنی داری بین سرمایه گذاری مستقیم خارجی با تجارت خارجی می باشد. برآورده ها نشان می دهد که رشد اقتصادی ایران در طول سه دهه با نوساناتی همراه بوده است که این رشد ناشی از فروش نفت و مواد خام دیگر بوده است نه سرمایه گذاری مستقیم خارجی در بخش های مختلف جامعه. نتایج نشان می دهد که شاخص های بهداشت، آموزش و درآمد سرانه ایران بهبود نسبی پیدا کرده است، اما بهبود درآمد سرانه ایران در سه دهه گذشته قابل توجه ای نیست. همچنین یک روند نسبتاً ضعیف در کاهش دو شاخص فقر و نابرابری درآمدی ایران در سه دهه گذشته مشاهده می شود اما این کاهش قابل توجه و ایده آل نیست.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، جهانی شدن، بهداشت، آموزش، درآمد سرانه

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۰۲

Archive of SID

^۱ . استاد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه رفاه اجتماعی (Email: jafar_hezar@yahoo.com)

^۲ . دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی، پردیس دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (Email: marfaeim@hotmail.com)

مقدمه

فرآیند جهانی شدن یک دورنما و چشم اندازی از نقش دولت ها در توسعه ساختارهای اقتصادی و سیاسی، و تقسیمات بین المللی تجارت و کار را ترسیم می کند، که نقش جهانی شدن در روابط بین الملل و تعاملات های جهانی بعنوان متغیرهای مهمی در تحلیل های جهانی تصور می شود. پیشرفت های اخیر در دو دهه گذشته بخصوص در اختراعات تکنولوژی، گسترش فعالیت ها در اقتصاد و تجارت فرآیند جهانی شدن را سرعت داده است، و جهش های بی نظیری در سطوح محلی، منطقه ای، ملی، بوسیله فرآیند سیاسی، اقتصادی، محیطی، مالی و اجتماعی، بوجود آورده است. فرآیند جهانی شدنی با پویایی در زمینه های بزرگتری بوسیله بازیگران آن شکل گرفته است. یعنی کشورهای پیشرفته در کنش های سیاسی و اقتصادی مشارکت فعال در بعد فراملی با یکدیگر داشته اند. در حالیکه کشورهای در حال توسعه گام های بسیار ضعیفی در زمینه تعاملات جهانی برداشته اند. در حقیقت فرآیند جهانی شدن فرصتی بود برای کشورهای توسعه یافته که نفوذ بیشتری در نمایش جهانی شدن داشته باشند. هر چند که میزان این تاثیرات و نفوذ ها در کشورهای جهان سوم متفاوت می باشند. (یو. ان. دی. پی. ۱، ۲۰۰۲، ۱۷).

اما منظور از توسعه اجتماعی را با اشکال متفاوت کنش متقابلی دانست که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می دهند آنچه که در مقوله توسعه اجتماعی جای میگیرد مفهوم رفاه اجتماعی است که به صورت فراگیر و تعمیم یافته در کل جامعه با کیفیت زندگی خلاصه می شود که این کیفیت زندگی بر مبنای کاهش فقر، آموزش، بهداشت، اشتغال، مسکن، تامین اجتماعی، محیط زیست، ارتباطات، اوقات فراغت و ... می گردد که در واقع نیازهای همه افراد در گروه های جامعه بطور پیوسته و همه جانبه در بر می گیرد. و در دوره جدید مفهوم توسعه اجتماعی مباحث جامعه مدنی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، جهانی شدن، حقوق اقلیت ها، یکپارچگی اجتماعی، محورهای اصلی توسعه اجتماعی را تشکیل می دهند (از کیا، ۱۳۸۶ : ۱۹). یا سازمان ملل متحد، توسعه اجتماعی را افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها، خدمات و سیاست بهره گیری از منابع برای سطوح زندگی مطلوب تر که در معنایی وسیع تر در بردارنده ارزش هایی است که معطوف به توزیع معتبر درآمد، دارایی و فرصت هاست تعریف می کند (جاکوب، ۲، ۱۹۹۲ : ۶۹).

از سوی دیگر، جهانی شدن با مبانی توسعه و نوسازی کردن پیوند خورده است و یک حرکت رو به جلو و پیشرونده در جهت تغییرات سریع در ساختارهای زندگی بشری و همگرایی بین جامعه جهانی تلقی می گردد. جهانی شدن یک بحث واقعی، فراملی و تاریخی است. باید به عنوان یک فرآیند فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تصور کرد که شامل ابعاد متنوع فرهنگی، تکنولوژیکی، سیاسی، محیطی دارد که هر یک از اینها دامنه ای از الگوها، روابط و فعالیت های را در بر می گیرد. بنابر این در روند مدرن شدن جوامع، پروژه جهانی شدن از حیث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر پیکره جوامع تکیه زده و با همسان سازی در قالب های فرهنگی، ادغام اجتماعات محلی و ملی و توسعه بازار های بین المللی و تجارت، موج جدیدی از نوسازی را ترویج می کند.

طرح مسئله

بیشتر مطالعات اجتماعی پیرامون بحث های رفاه اجتماعی قرار گرفته است که انسان را در محور آن قرار می دهد. این مطالعات حوزه های کاربردی و مفهومی بسیار گسترده ای را در شناسایی مسایل و مشکلات اجتماعی در بر گرفته است. عمده ترین مطالعات کاربردی پیرامون شاخص های رفاه و توسعه اجتماعی مانند بهداشت، مسکن، آموزش، درآمد، شغل، عدالت اجتماعی، تامین اجتماعی و غیره می باشد. برخی از دانشمندان سیاست های اجتماعی را بررسی و مطالعه خدمات اجتماعی و برنامه های رفاه عمومی می دانند. این سیاست های اجتماعی از دو مسیر شناسایی می شود: اول سیاست های اجتماعی از طریق بررسی، مطالعه و تحقیق قابل شناسایی است. دوم آنکه این سیاست های اجتماعی بر دنیای فعلی و واقعی جامعه انسانی تاثیر می گذارد و خط مشی ها، برنامه ها بر

1 . United Nations Development Program

2 . Jacob

اساس رفاه و بهزیستی انسان طراحی می گردد. بنابر این سیاست های اجتماعی با فنون و مهارت های متنوعی روبرو است که حوزه های دیگر علوم از جمله اقتصاد، روانشناسی، تاریخ، جغرافیا، جامعه شناسی، حقوق و دیگر حوزه ها را درگیر می کند (همتی، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۱).

از سوی دیگر، قلمرو سیاست گذارهای اجتماعی به میزان اثر بخشی آن بستگی دارد که در برنامه های دولت رفاه مورد توجه قرار می گیرد و زندگی اجتماعی را در کانون آن قرار می دهد. ضمن آنکه به ارتقای سطوح زندگی و دستیابی به استانداردها توجه می کند و شرایط زندگی بشری را بهبود می بخشد. از پیامدهای فاجعه بار و غیره منتظره مسایل و مشکلات زندگی بشری جلوگیری می کند. یک معنای از توسعه اجتماعی آن است که این مفهوم به تعهد و الزام به بهزیستی و اراده گرایی فردی ارتباط پیدا می کند و فرصتی را برای شهروندان فراهم می کند که بتوانند نیازهای خود را تشخیص دهند. و تصمیمات خود را بر مبنای این نیازها قرار دهند. توسعه اجتماعی مجموعه ای از اندیکاتورهای مانند: درآمد بیشتر، امید به زندگی طولانی تر، صلح و دوستی، دموکراسی، آزادیهای اجتماعی، مرگ و میر پایین، حقوق مدنی، مسکن مناسب، برابریهای اجتماعی، تکنولوژی پیشرفته، حکومت شایسته، سازمانها و نهادهای مدنی بازارهای اقتصادی و بارزگانی و سایر شاخص های دیگر را احاطه می کند. به تعبیر دیگر توسعه اجتماعی یک واژه فراگیر اجتماعی است که یک حرکت پیش رونده از سطوح پایین به سطوح بالای را تسریع می کند و کارایی، اثربخشی، کیفیت، انتخاب، لذت و بهره مندی، خلاقیت و ابتکار، قوه و درک و مولد بودن را در بر می گیرد. توسعه فردی و اجتماعی ناشی از آزادیهای انتخاب و گزینش بعلاوه ظرفیت ها و قابلیت های فردی و اجتماعی است که با سیاست های اجتماعی پیوند خورده است. سیاست های اجتماعی مداخلات هدفمند می باشد که در سایه حمایت های اجتماعی و معیشتی در ابعاد محلی، ملی و جهانی قرار می گیرد. بنابر این نقش سیاست های اجتماعی در فرآیند توسعه بازنگری می شود و به شکل هدفمند و مناسب تر در جهت برآوردن نیازهای خاص اجتماعی و اقتصادی افراد جامعه قرار می گیرد.

هال^۱ (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۸) سیاست گذارهای اجتماعی به مثابه خدمات اجتماعی یا به مثابه چتر حمایتی تعبیر می کند. وی معتقد است که دولت ها در جهت تدارک رفاه نسبی برای بخش های مختلف اجتماعی پیوند می خورد و نیازها و خدمات اجتماعی طبقات مختلف جامعه را شناسایی می کند و زمینه رفاه عمومی در پوشش سیاست گذارهای اقتصادی و اجتماعی قرار می دهد. بنابر این سیاست های اجتماعی به معنای مداخلات جمعی و برنامه ریزی مشارکتی است که طبقات ضعیف و قوی جامعه را در زیر چتر و حمایت خود قرار می دهد و توازن اقتصادی و اجتماعی را بوجود می آورد. دولت ها بسترهای مناسب و توسعه را برای گروه های مختلف جامعه تسهیل می کنند و با استقرار چارچوب های کلی و قانونی مناسب، تضمین ثبات در سطوح کلان اقتصادی جامعه، توجه به زیر ساخت ها، حمایت و پشتیبانی از طبقات فقیر و آسیب پذیر جامعه و به طور کلی پیشبرد توسعه پایدار را در برنامه ریزیهای خود مورد توجه قرار می دهد.

آنچه واضح و مشخص است آن است که حکومت ایران در ۳۰ سال گذشته گامهای کندی در جهت مشارکت شان با جهانی شدن برداشته اند. چرا که حکومت جدید ایران با کشمکش های داخلی و خارجی در سه دهه گذشته روبرو بود. از جمله: فشارهای بین المللی در زمینه محاصره اقتصادی، پیامد های ناشی از جنگ هشت ساله با عراق، اتخاذ سیاست های غلط اقتصادی توسط دولتمردان در طول سالهای پس از جنگ، انزوای سیاسی و عوامل دیگر. از سوی دیگر غالب یافتن نگاه بدبینانه نسبت به پروسه جهانی شدن در نزد دواتمردان و سیاستمداران ایرانی باعث شد که کشور را به سوی انزوای سیاسی و اقتصادی بیشتری در سطح جهان سوق داده شود که پیامد های منفی برای جامعه در بر داشت.

1. Hall

سی و پنج سال از انقلاب اسلامی ایران، اکنون بسیاری از پژوهشگران و متخصصان ایرانی مطالعات مربوط به پروسه جهانی شدن و ارتباط آن با توسعه و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران را ترغیب و تشویق کردند. و به اهمیت و ضرورت پرداختن به پدیده جهانی شدن و کنش های اقتصادی و سیاسی در عرصه های بین الملل توجه ویژه ای می کنند. اساساً این مطالعه، تلاش می کند که به پروسه جهانی شدن و ارتباط اش با بهبود شاخص های اقتصادی و اجتماعی ایران توجه کند و این سوال مطرح می باشد که آیا یک رابطه معنی داری بین شاخص های جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران وجود دارد؟ این مطالعه ما را یاری می کند که با نگاه دقیق تر و موشکافانه تر به پدیده جهانی شدن از بعد کمی و با تکیه بر داده های ایران در یک مطالعه اسنادی و کتابخانه ای پیردازیم و اثرات شاخص های جهانی شدن را بر توسعه شاخص های اقتصادی و اجتماعی در سی سال گذشته مورد ارزیابی قرار دهیم.

مبانی نظری

پیتر دونالدسن^۱ توسعه را به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایشها و نهادها برای تحقق کامل هدفهای جامعه می داند ("دینی، ۱۳۷۰: ۸۵). واندرلیش در تعریف توسعه می گوید که به طور کلی توسعه به پروسه اقتصادی و به گسترش تولید و مصرف به عنوان یک رهنمود عمومی جهت کاهش فقر و نابرابری اشاره می کند. وی توسعه را یک رشد بین المللی و نوسازی فرهنگی و اجتماعی تلقی می کند، و پس از جنگ دوم جهانی یک جنبش از نوسازی ایجاد شد که با برنامه های بین المللی از مجموعه تغییرات اجتماعی طراحی شده در ارتباط می باشد که کارگزاران توسعه و پروژه های توسعه را به صورت یک جنبش خلق کردند. (واندرلیش، ۲، ۲۰۱۰: ۱۱۱-۱۱۰). ماکس وبر^۳ (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰) در بحث عقلانیت، به ویژگیهای مانند غیر شخص شدن روابط اجتماعی، پالایش فنون محاسبه، افزایش اهمیت دانش تخصصی، گسترش کنترل عقلانی مبتنی بر تکنیک هم در فرآیندهای طبیعی و هم در فرآیندهای اجتماعی اشاره می کند. به عقیده وی، عقلانیت به همسان سازی فرهنگ ها و نیز کاهش تعهد نسبت به ارزشهایی چون وطن پرستی و وظیفه شناسی منجر می شود که در بحث جهانی شدن قرار می گیرد (واترز، ۱۹۹۵: ۱۵).

واترز^۴ (۱۹۹۵)، بحث جهانی شدن را یک شتاب ناگهانی در تحولات تاریخ زندگی بشر می داند، جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه همزمان همراه است و جهانی شدن یک فرآیند متاخر است که با سایر فرآیندها اجتماعی نظیر فراصنعتی، فرا نوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه داری همراه است (از کیا، ۱۳۸۴: ۳۶۴).

تامس ریس^۵ (هلد، ۱۳۸۸: ۱۸۴) برخورد جهانی شدن را با ساخت گرایی اجتماعی در دو راه استدلال می کند که درک ما را از جهانی شدن افزایش می دهد. یکی آنکه جهانی شدن یک گفتمان خاص در باره واقعیت بین المللی است. دوم آنکه درک جهانی شدن از دیدگاه ساخت گرایی اجتماعی بر عوامل و نیروهای غیرمادی تاکید می ورزد. یکی از پرسش های اساسی این بوده است که آیا پدیده جهانی شدن در عرصه اجتماعی منجر به برابریهای اجتماعی و فراهم آوردن توسعه دموکراسی و امنیت انسان می شود و یا موجب بروز نابرابریهای اجتماعی و نابسامانیهای سیاسی در عرصه تحقق دموکراسی می گردد.

شولت در پاسخ به این پرسش معتقد است که جهانی شدن نوعی تغییرات اصلاح طلبانه را بوجود می آورد که باعث تقویت امنیت انسان می گردد و به طور همزمان کاهش بی عدالتی ها را موجب می گردد. و به بهبود موازنه شمال و جنوب از طریق رژیم های اقتصادی جهانی می شود. نکته دیگر از منظر شولت، اصلاحات جهانی شدن، فرآیند دموکراسی را برای جوامع بشری فراهم می کند. چرا که کاهش تبعیض های بی حساب موجب افزایش فرصت ها برای همه مردم جهت مشارکت در سیاستگذاری ها خواهد شد به

1 . Petter Donaldson

2 . Wunderlicsh

3 . Max Weber

4 . Waters

5 . Riss

6 . Held

همین ترتیب در مورد امنیت انسان، سیاست های مربوط به فقرزادگی، بهبود شرایط اشتغال و تعمیق انسجام اجتماعی نیز شرایطی را فراهم می کند که مردم بتوانند در تعیین سرنوشت جمعی خود شرکت فعالانه ای داشته باشند. (شولت، همان منبع: ۳۸۰ - ۳۷۴). یو ان دی پی (UNDP: ۱۹۹۹) بیان می کند که جهانی شدن به عنوان یک ابزار ظرفیت های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژی را در جامعه جهانی افزایش می دهد و توانایی افراد را به سطوح بالاتر سیستم های آموزشی و تخصص های جدید فراهم می کند. بنابر این سیاست های اجتماعی اقداماتی خاصی است که برای گسترش رفاه اجتماعی بوسیله دولت ها و نهادهای مدنی و قانونی طرح ریزی می شود. و هدف کلی این سیاست گذاریها کاهش فقر، محرومیت و نابرابری گروههای آسیب پذیر می باشد. در واقع هدف اصلی این سیاست گذاریها، توانمند سازی طبقات ضعیف جامعه و افزایش بهره وری نیروی کار می باشد.

از سوی دیگر با بین المللی شدن مسایل توسعه اجتماعی از طریق سیاست ها و اقدامات سازمانهای بین المللی و فراملیتی این اندیشه را تقویت می کند که سیاست های اجتماعی ملی تحت تاثیر عوامل خارجی شکل می گیرد و چشم اندازهای نظری در سیاست های اجتماعی مطرح می کند. که در سه زمینه نظریه تئینی یا تحلیلی، نظریه بازنمایی و نظریه هنجاری مطرح می شود. در نظریه هنجاری که اهمیت بیشتری نسبت به دو رویکرد دیگر دارد. اساسا رویکرد هنجاری یک رویکرد فنی است که با مشکلات اجتماعی سروکار دارد و در جهت برآوردن نیازهای اجتماعی گام بر می دارد و دولت ها مسئول تامین نیازهای از قبیل بهداشت، مسکن، آموزش، تامین اجتماعی و دیگر برنامه ها می باشد. یک رویکرد مهم در نظریه هنجاری به نظریات میجلی^۱ (۱۹۹۵) تعلق دارد که در سه سنت فرد گرایی، جمع گرایی و مردم گرایی مطرح می کند. این سه سنت بر نقش بازار، دولت و اجتماعات در توسعه اجتماعی تاکید می ورزد و جهت گیریهای اصلی این رویکرد بر حمایت از موسسات اقتصادی خرد، برنامه ریزیهای متمرکز توسعه، مشارکت اجتماع محلی و بسیاری از مداخلات دیگر را در بر می گیرد. (ابراهیمی، همان منبع: ۵۰ - ۶۲).

اولین بخش از پیشینه تاریخی به مطالعات بسیاری از دانشمندان در ارتباط با تجارت خارجی^۲ به عنوان یک مولف مهم در پروسه جهانی مرتبط می شود که می توان به مطالعات محققانی مانند فرهادی (۱۳۸۴)، کاراسیسا واتسک^۳ و همکاران (۲۰۰۷)، را آیزمن^۴ و همکاران (۲۰۰۵)، روح الله محمد نیا (۱۳۸۴)، رومر^۵ (۱۹۸۹)، لویز^۶ (۱۹۹۱)، ادواردز^۷ (۱۹۹۲)، یاک و پیچ^۸ (۱۹۹۳)، رودیک^۹ و رودریگز^{۱۰} (۲۰۰۰)، فلوی^{۱۱} و دیگران (۲۰۰۱)، ایمری^{۱۲} (۱۹۶۷)، میزلز^{۱۳} (۱۹۶۸) و کراوس^{۱۴} (۱۹۷۰)، کاووسی (۱۹۸۲)، فوسو^{۱۵} (۱۹۸۲ و ۱۹۹۰)، شیهی^{۱۶} (۱۹۹۰)، یغمائیان (۱۹۹۴)، فدر^{۱۷} (۱۹۸۲)، صالحی اصفهانی^{۱۸}

1. Midgley
2. Foreign Trade
3. Chaisrisa watusk
4. Aizehmen
5. Romer
6. Lopez
7. Edwardes
8. Yak & Pech
9. Rodic
10. Rodrigarz
11. Falway
12. Emeri
13. Miles
14. Krous
15. Fosue
16. Sheehey
17. Fader
18. Salehi Esfahani

(1991)، جانگ و مارشال (1985)، چاو (1987)، بهمنی اسکویی (1992)، کروگر (1983)، لوین و زروس (۱۹۹۸)، وارلگر (۲۰۰۰) و همین طور مطالعات دیگر گویای این واقعیت ها است که: سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در بخش تجارت را تاثیر مستقیم دارد. آنها معتقدند که یک رابطه قوی و معنی داری بین سرمایه گذاری خارجی با بالانس تجارت وجود دارد و تجارت خارجی متاثر از میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی می باشد.

دومین بخش مطالعات گذشته به رابطه جهانی شدن و رشد اقتصادی کشورها می پردازد. مطالعات محققانی مانند چانگ و همکاران (۲۰۱۰)، ماتسو و همکاران (۲۰۱۱)، راو (۲۰۱۲)، راسکی و همکاران (2013)، آرنو و همکاران (۲۰۱۱)، لیتو و همکاران (2012) و لوتو (۲۰۱۳) می توان اشاره کرد. عده ای از نظریه پردازان اقتصاد بین الملل مانند بالاسا (۱۹۷۸)، کوآن و همکاران (۱۹۹۶) و بادینگر و تندل (۲۰۰۲)، ابوالفضل شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، حسین استادی (۱۳۹۲) اثر گذاری جذب سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی، آهنگ رشد اقتصادی، بالا بردن ظرفیت اشتغال، انتقال تکنولوژی و تکنیک های تولید، تقویت منابع مالی و رقابت صحیح در بخش های مختلف اقتصاد کشور و... را در جامعه تقویت می کند که باعث استفاده بهینه از سرمایه ها و منابع موجود در کشور گردد.

سومین بخش مطالعات گذشته به شاخص های توسعه اجتماعی ارتباط دارد. مثلا: بنت (۱۷) و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند که جهانی شدن یک رابطه محوری و کلیدی با مرکز مراقبت های بهداشتی و سلامت اخلاقی و روانی در جوامع معاصر دارد. در پژوهش دالر (۱۸) و همکاران (۲۰۰۱) این فرضیه به اثبات رسیده که سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی به واسطه آزاد سازی اقتصادی، رشد اقتصادی را تقویت می کند و این رشد به بهبود شرایط اجتماعی از قبیل بهداشت و سلامتی جامعه، ارتقای آموزش و توانمندی سازی زنان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و سیاست گذاریهای دولت منجر می گردد. بنابر این این رشد کاهش فقر، افزایش بهداشت عمومی و سلامتی جامعه را به دنبال دارد.

سویوف (۱۹) (2000)، لیونت (۲۰) و همکاران (۲۰۰۷)، محمد باباخانی (۱۳۸۷)، جلال منتظری شوکجایی (۱۳۹۱)، بختیاری (۲۰۰۶) نشان می دهد که جهانی شدن به عنوان یک فاکتور مهم در رشد فرهنگ و سیستم های آموزشی است. و اثرات جهانی شدن بر سیستم های آموزشی این امکان و فرصت های جدید را برای افراد ایجاد می کند که بتوانند از دانش های جدید، مهارت ها و تخصص ها و ارزش های جدید بهره مند گردند. فرزانه چهاربند و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان وضعیت ایران در ارتباط با اقتصاد دانایی محور و آموزش بین سالهای ۱۳۸۸ - ۱۳۷۵، این فرضیه را تقویت می کنند که یک رابطه تنگاتنگ بین توسعه آموزش و توسعه

1. Chang & Marshal

2. Chave

3. Bahmani Oskuei

4. Krougar

5. Levine and Zervos

6. Wurgler

7. Chang

8. Mutaseu

9. Rau

10. Rasaki

11. Arenu

12. Lietao

13. Loto

14. Balassa

15. - Kwan, et al

16. Badinger and Tondl

17. Bennttet

18. Dollar

19. Sovedoff

20. Labonte

جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱ / ۱۳

اقتصادی وجود دارد و مناسبات جهانی در حوزه اقتصاد دانایی محور به این پیشرفت ها شدت می بخشد. مطالعه زهرا علمی (۱۳۸۶)، اثر آموزش بر رشد اقتصادی ایران در سالهای ۱۳۸۱ - ۱۳۵۰ را مورد مطالعه قرار داده است. که نتایج حاکی از رابطه معنی دار و مثبت آموزش بر رشد اقتصادی ایران در طول سی سال می باشد. به تعبیر دیگر آموزش نیروی انسانی بر رشد و توسعه اقتصادی تاثیر معنی داری دارد. مطالعه محققان و پژوهشگران حاکی از تایید این فرضیه است که هر چه درآمد های ملی افزایش داشته باشد درآمد سرانه و قدرت خرید مردم فزونی می گیرد. مثلا مطالعه فنستر ۱ و همکاران (۱۹۹۷)، هاشمی و همکاران (۲۰۰۳)، رابینسون ۲ (۲۰۰۳)، معتقد است که پویایی ساختاری در فرآیند فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متضمن همگرایی جهانی و توجه به فرآیند جهانی شدن می باشد.

از سوی دیگر مطالعات پیرامون اثرات جهانی شدن، گویای این واقعیت است که جهانی شدن موجبات رشد اقتصادی، و افزایش درآمدهای ملی را فراهم می کند که ضمن تعدیل توزیع درآمدها، باعث افزایش رفاه اقتصادی می گردد. (جلالی و همکاران، ۱۳۹۰). همین طور مطالعات حسین راغفر و همکاران، فریده باقری و همکاران ()، خداداد کاشی و همکاران (۱۳۸۴) با عنوان برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۳، فریزر رئیس دانا (۱۳۸۴) اندازه گیری شاخص و پویش فقر، پویا علاء الدینی و همکاران (۱۳۸۴)، سید احمد غروی نخجوانی (۱۳۸۴)، سعید قاسمیان (۱۳۸۴) فرشید یزدانی (۱۳۸۴) بروجنی (۱۳۸۴) اشاره کرد که همگی این تحقیقات به اهمیت فقر و نابرابری به عنوان یک شاخص مهم در اندازه گیری وضعیت اجتماعی تاکید می کنند و یادآوری می کند که بین نابرابری درآمدی و فقر یک رابطه معنی داری و مستقیم وجود دارد و در طول دو دهه گذشته یک کاهش نسبی را به همراه داشته است. در این جا لیستی از مطالعات پیرامون فقر و نابرابری را ارجاع می دهیم. مطالعات هاومن ۳ و همکاران (۲۰۰۴)، چو چینگ ۴ (۲۰۰۹)، درهر ۵ و همکاران (۲۰۰۸)، داوود صالحی اصفهانی (۲۰۰۷)، آزاده و همکاران (۲۰۰۵)، هادی زنوزی (۲۰۰۴)، خداداد و همکاران (۲۰۰۴)، باقری و همکاران (۲۰۰۷)، علاء الدینی و همکاران (۱۳۸۴)، آقایی و همکاران (۲۰۰۸)، مک میلان ۶ (۲۰۰۷)، لایا نجیم ۷ (۲۰۰۷)، راولینو ۸ (۲۰۰۱)، خسرو پیری (۲۰۰۴)، کری فیلدس ۹ (۱۹۹۴)، جی اریک دی ورجر ۱۰ (۲۰۰۵)، رئیسی دانا (۱۳۸۴) معتقد است که اندازه گیری فقر را باید عوامل پدیدآورنده آن و کارکردهای نظام اقتصادی و سیاسی در نظر گرفت. این عوامل با توزیع درآمد، اشتغال، رفاه اجتماعی، ترکیب سنی و جمعیت، تحصیلات و غیره در ارتباط می باشد و همین طور با ساختار قدرت، مبانی سیاست گذاری اقتصادی و اجتماعی، نظام طبقاتی (تعارض و منافع طبقاتی) و... همراه است.

اهداف تحقیق

- توصیفی بر شاخص های جهانی شدن (سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تجارت خارجی) ایران در طول سه دهه گذشته
- بررسی رابطه بین شاخص های جهانی شدن و دو مولف مهم اقتصادی ایران در سه دهه گذشته
- بررسی اثرات شاخص های جهانی شدن و اقتصادی بر توسعه اجتماعی ایران

1 . Feenstre
2 . Robinson
3 . Havemen
4 . Cho Ching
5 . Deher
6 . Harrison & Manmillion
7 . Laya Najim
8 . Ravellin
9 . Cary S Fields
10 . J. Erik De Vrijer's

روش شناسی

روسی^۱ (۲۰۰۷، ۲۷-۳۱) معتقد است که موضوع جهانی شدن در چارچوب رویکرد های کلان، خرد و چشم اندازهای تاریخی جامعه بشری مورد بحث و کنکاش قرار می گیرد، این رویکردها در فرایندهای بحث های ملی، فراملی و حقیقی اهمیت پیدا می کند. آلوسری (۲۰۰۷) می گوید که جهانی شدن یک بررسی کیفی است که به درک و برداشتهای از فرایندهای رانده شده در اسناد و مدارک منتهی می شود. در واقع این بررسی به شکل استنتاجی از مشاهدات تجربی داده های کیفی در جهت دستیابی به ایده های کلی از روش شناختی یک تئوری سوق می دهد. کارتی و همکاران (۲۰۰۵: ۲۹۷-۳۱۱) معتقد است که داده ها، اسناد و مدارک تاریخی منابع بسیارغنی و نایابی هستند که در آرشیوها، کتابخانه ها و بایگانی ها قرار گرفته است. این منابع و اطلاعات در تحلیل و درک مطالعات مقایسه ای، تحلیلی از شرایط تاریخی و گذشته یک جامعه کاربرد پیدا می کند که به کشف تاریخ یک جامعه و دورنمای آیندگان می انجامد. منابع تحقیقات تاریخی به بخش مهمی از منابع گذشته و معاصر یک جامعه اشاره می کند. در حقیقت روش شناسی این مطالعه تلاش می کند که به تحقیقات تاریخی و اسنادی و همچنین به داده های کمی متکی هستند. در واقع استفاده از اطلاعات و داده های کمی همچون سرشماریهای و داده های آماری منتشره شده در سطوح داخلی و جهانی موجود در آرشیوها و بایگانی ها به منظور تحلیل ها و استنباط های آزمونهای آماری جهت تست سوالات یا فرضیه های تحقیق مطالعات کیفی را پوشش می دهند. اساسا پژوهش حاضر متکی به استفاده از داده های ثانویه می باشد که اهمیت ویژه ای در تحلیل های اقتصادی، اجتماعی در ارتباط با شاخص های جهانی شدن دارد. و استفاده از این داده ها با تکیه بر منابع دست اول در مطالعه فوق می باشد. این داده ها و منابع دست اول از سازمانها و موسسات معتبر و قابل اطمینان داخلی و بین المللی به واسطه داده های رانده شده در اینترنت و منابع دیجیتالی جمع آوری شده است. داده های این مطالعه در یک فرایند تاریخی و اسنادی مربوط کشور ایران می باشد که در یک دوره زمانی سی ساله (۱۳۶۱ - ۱۳۹۱) مورد سنجش و تحلیل قرار گرفته است. این داده های (سریهای زمانی) گردآوری شده در سطح مقیاس فاصله ای یا کمی هستند که با ماهیت تحقیق فوق مرتبط می باشند. آزمون های بکار گرفته شده در این مطالعه به دو بخش تحلیل های توصیفی و آمار استنباطی تقسیم می شوند. آمار استنباطی در این مطالعه با عنایت به سطح سنجش اثرات متغیرهای مستقل بر روی متغیرهای وابسته انتخاب شده است که شامل رگرسیون خطی دو متغیره، رگرسیون خطی چند متغیره شامل می شود. مدل بکار رفته در رگرسیون چند متغیره به دلیل وجود چند متغیر کنترل از نوع سلسله مراتبی است که اثرات متغیرهای مستقل و کنترل را بر روی متغیرهای وابسته مورد سنجش قرار داده است.

متغیرهای مستقل	متغیرهای کنترل	متغیرهای وابسته
<ul style="list-style-type: none"> - سرمایه گذارهای خارجی - وادرات - صادرات - رشد اقتصادی - شاخص جهانی شدن اقتصادی 	<ul style="list-style-type: none"> - تولید ناخالص داخلی - رشد اقتصادی - درآمد سرانه 	<ul style="list-style-type: none"> - بهداشت (امید به زندگی و مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال) - نرخ باسوادی - درآمد سرانه - فقر (ضریب جینی) - نابرابری درآمدی

یافته ها

یافته های شاخص های جهانی شدن

اولین هدف این مطالعه به توصیف، شاخص های جهانی شدن (سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تجارت خارجی) ایران در طول سه دهه گذشته می پردازد. بر اساس آماره های منتشره شده (بانک جهانی، ۲۰۱۴) حاکی آن است که جریان سرمایه گذارهای مستقیم

^۱ . Rossi

جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱ / ۱۵

خارجی ایران در طول سه دهه گذشته همراه با نوساناتی خاصی روپرو بوده است. در بعضی از مقاطع زمانی میزان این سرمایه گذاریها منفی و معکوس بوده و کشور ایران بهره چندانی از سرمایه های خارجی در اقتصاد خود نبردند. آماره های منتشره شده (بانک جهانی، ۲۰۱۴) از میزان جذب سرمایه گذاریهای خارجی ایران در دهه ۱۹۸۰ میلادی (دهه ۱۳۶۰ شمسی) بسیار پایین تر و حتی در مقطعی منفی بوده است و در دهه ۱۹۹۰ میلادی این روند ضعیف ادامه داشته و تنها در مقطع زمانی ۲۰۰۰ بخصوص در سال ۲۰۰۳ میزان جذب سرمایه گذاریهای به رقم ۱,۹۹ درصد تولید ناخالص داخلی می رسد. سایر زمانها وضعیت بسیار اسف باری را در این همگرایی جهانی شدن برملا می کند چرا که این میزان کمتر از ۱ درصد می باشد. میانگین این سرمایه گذاریها برای کشور ایران در طول سه دهه گذشته کمتر ۰,۵ درصد می باشد. این وضعیت ناشی از تمایلات منفی دولت ایران به سایر کشورهای در زمینه فعالیت های اقتصادی بخصوص در زمینه سرمایه گذاریهای داخلی است و ایران یک رشد منفی را در این زمینه بخصوص در دهه ۱۹۸۰ تجربه کرد.

دومین مولف جهانی شدن به تجارت خارجی ایران ارتباط دارد که میزان تجارت خارجی ایران اوایل دهه ۱۳۶۰ میلادی از یک بالانس منفی برخوردار بوده است. میزان واردات ایران در ابتدای سال ۱۳۶۰ رقم ۱۰ بیلیون دلار را نشان می دهد در حالیکه این رقم در سال ۱۳۹۱ به میزان ۹۲ بیلیون دلار برآورد شده است. همین طور میزان صادرات کشور ایران از رقم ۹ بیلیون دلار در ابتدای دهه ۱۳۶۰ به رقم ۱۰۲ بیلیون دلار در ۱۳۹۱ افزایش یافته است. آمارهای بدست آمده از حجم تجارت خارجی ایران نشان می دهد که حجم مبادلات کالا در پروسه جهانی شدن بسیار ناچیز بوده و عمدتاً به صادرات نفت و مواد خام اختصاص دارد. در واقع، دولت ایران با نگاه بدبینانه ای، پروسه جهانی شدن را دنبال می کرد. نگاهی به آمار و ارقام تجارت خارجی ایران در طول سه دهه بیانگر آن است که ایران با وجود یک کشور صادرات کننده نفت بود از عملکرد تجارت خارجی منفی یا بالانس منفی در طول سه دهه های گذشته برخوردار بوده است. یعنی واردات ایران بر صادرات اش برتری داشته است (بانک جهانی، ۲۰۱۴).

جدول ۱: معادله رگرسیون دو متغیره بین شاخص های جهانی شدن تجارت خارجی ایران

p	T	β	Sig	F	ΔR^2	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی	
.000	6.888	.783	.000	47.447	.613	.613	.783	صادرات
.000	7.320	.801	.000	53.576	.641	.641	.801	واردات

نتایج معادله رگرسیونی (جدول ۱) دو متغیره، حاکی از تایید رابطه معنی دار بین سرمایه گذاریهای خارجی بر واردات و صادرات می باشد. ضریب همبستگی از معادله رگرسیونی دو متغیره حاکی از رابطه نسبتاً خوب بین متغیر مستقل (سرمایه گذاری مستقیم خارجی) و متغیرهای وابسته (واردات و صادرات) را نشان می دهد که مقدار ضرایب همبستگی بین حداقل ۰,۷۸۳ برای صادرات و ۰,۸۰۱ برای واردات برآورده شده است. همین طور تغییرات ضرایب تعیین (ΔR^2) حدود ۶۰ درصد برای دو متغیره وابسته تبیین می کند. حداقل ضریب تاثیر (Beta) ۰,۷۸ برای صادرات و ۰,۸۰ برای واردات برآورد شده است که نشان دهنده تاثیرات نسبتاً قوی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر دو فاکتور تجارت خارجی یعنی واردات و صادرات پیش بینی می کند.

یافته های اقتصادی ایران و جهانی شدن

دومین هدف این مطالعه به توصیف دو شاخص مهم اقتصادی یعنی تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی می پردازد و همچنین یک تحلیل استنباطی بین شاخص های جهانی شدن و تولید ناخالص داخلی را به آزمون می گذارد. آیا یک رابطه معنی دار بین شاخص های جهانی شدن و تولید ناخالص داخلی ایران وجود دارد؟

جدول ۲: ضرایب همبستگی و رگرسیونی اثرات متغیرهای جهانی شدن بر تولید ناخالص داخلی ایران

مقدار ویژه	فرض چند خطی		رگرسیونی جزیی	p	T	Beta		مدل
	عامل تورم واریانس	تولرنس						
.433	----	----	.767	.000	6.323	.767	سرمایه گذاری خارجی	1
.441	1.420	.704	.650	.000	4.450	..599	سرمایه گذاری خارجی	۲
.152	1.420	.704	.403	.003	2.287	.308	واردات	
.466	2.613	.383	.188	.337	.979	.122	سرمایه گذاری خارجی	۳
.166	2.249	.445	-.152	.442	-.782	-.090	واردات	
.073	4.104	.244	.745	.000	5.687	.886	صادرات	

[R= .767, .809 and .920] [X R²= .588, .067 and .191] [F: 39.976, 25.625 and 47.692, p < .005]

تفسیر: کشور ایران در آغاز دهه ۱۹۸۰ با رشد منفی اقتصادی روبرو بودند. اما در دهه ۱۹۹۰ موفق به رشد اقتصادی قابل توجهی شد. که این رشد اقتصادی به بالاتر از ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۳ رسید. این روند با افت و خیزهای ناچیزی تا سالهای ۲۰۱۲ ادامه داشت. اما در سال ۲۰۱۳ نرخ رشد اقتصادی روند منفی به خود می گیرد. در واقع یک روند کاهشی در نرخ رشد اقتصادی ایران از سالهای ۲۰۰۹ شروع شده است و بیانگر آن است که اقتصاد ایران در یک سراسیمگی قرار گرفته شده است. بنابر این شاخص رشد اقتصادی ایران در طول دهه گذشته یعنی ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ روند مثبت و قابل توجهی داشت هر چند که در اواخر دهه ۲۰۰۰ این نرخ رشد روبه کاهش گذاشته است. شاخص دوم اقتصادی در این مطالعه، تحلیلی بر تولید ناخالص داخلی ایران در طول سی سال گذشته است که از رقم ۹۷ میلیارد دلار در ۱۹۸۱ به ۵۰۶ میلیارد دلار در ۲۰۱۲ می رسد که با وجود آنکه، ایران یک کشور صادرکننده نفت می باشد، ولی حجم کمتری در مبادلات غیر نفتی دارد (آمار بانک جهانی: ۲۰۱۴).

یک تحلیل استنباطی از شاخص های جهانی شدن بر تولید ناخالص داخلی این سوال تحقیق را به آزمون می گذارد. آیا یک رابطه معنی داری بین شاخص های جهانی شدن با تولید ناخالص داخلی ایران وجود دارد؟ جدول ۲ بیانگر آن است که تمام ضرایب همبستگی در سه مدل رابطه بسیار قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می دهد که مقدار ضرایب همبستگی بین حداقل 0.767 در مدل یک و حداکثر 0.920 در مدل سه می باشد که بیانگر یک همبستگی بسیار خوب و قوی بین متغیرها را تبیین می کند. همین طور تغییرات ضرایب تعیین (X R²) سرمایه گذاری خارجی (مدل یک) بطور مستقل حدود ۶۰ درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی را تبیین می کند. و دو متغیر سرمایه گذاری خارجی و واردات (مدل دو) در حدود ۷ درصد برآورد شده است. اما زمانی که سه متغیر مستقل (در مدل های سه) در آزمون به کار گرفته شدند. متغیرهای مستقل به میزان ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند. و معنی دار هستند. همچنین ضرایب آزمون فیشر (F) در جدول فوق نشان می دهد که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در چهار مدل معنی دار و مثبت می باشد. و فرض تحقیق مبنی بر رابطه معنی دار بین متغیرها را تایید می کند. نتایج جدول ۲ ضرایب رگرسیونی در سه مدل را نشان می دهد. در مدل یک ضرایب تاثیر (Beta) تنها متغیر مستقل حدود 0.767 برآورد شده است به تعبیر دیگر، سرمایه گذاری خارجی حدود ۷۷ درصد متغیر وابسته را تبیین می کند. در مدل دو، متغیر واردات حدود ۳۰ درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی را پیش بینی می کند. و رابطه معنی داری را نشان می دهد. اما مدل سه نقش صادرات پررنگ تر و معنی دار می باشد که حدود ۸۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تبیین می کند. این نتایج نشان می دهد که دو متغیر سرمایه گذاری خارجی و صادرات نقش کلیدی و محوری در افزایش تولید ناخالص داخلی بازی می کنند و بیشترین تاثیر را در تغییرات تولید ناخالص داخلی دارند.

تبیین شاخص های توسعه اجتماعی ایران و جهانی شدن

سومین هدف این مطالعه به مهمترین شاخص های توسعه اجتماعی مورد تبیین قرار می دهد. در این بررسی، آیا بین شاخص های جهانی شدن با توسعه اجتماعی با کنترل متغیرهای واسطه رابطه معنی داری وجود دارد؟ شاخص های اجتماعی (متغیرهای وابسته) عبارتند از بهداشت با دو متغیر امید به زندگی و نرخ مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال، شاخص آموزش (نرخ باسوادی)، شاخص درآمد سرانه، شاخص فقر (ضریب جینی)، شاخص نابرابری درآمدی (ضریب ۱۰٪ ثروتمندان نسبت به ۱۰٪ فقرا) را در یک روند تاریخی سی ساله مورد بازبینی و تجزیه و تحلیل قرار دادیم. در این بررسی شاخص های جهانی شدن (متغیرهای مستقل) را، سرمایه گذاری خارجی، واردات و صادرات را شامل می شود. همین طور، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی به عنوان متغیرهای کنترل و شاخص های اقتصادی در این بررسی به کار گرفته شده است.

✓ اولین شاخص توسعه اجتماعی: تبیین یافته های شاخص بهداشت

بخش اول تحلیل های آماری به دو شاخص بهداشت مرتبط می باشد. دو تحلیل رگرسیونی پیرامون دو شاخص مهم بهداشت (امید به زندگی و مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال) انجام گرفته است. این دو تحلیل به اولین هدف اصلی و سوال تحقیق ارتباط پیدا می کند. در حقیقت آیا یک رابطه معنی داری بین شاخص های جهانی شدن و بهداشت (امید به زندگی و مرگ و میر کودکان) با کنترل متغیرهای اقتصادی وجود دارد؟

جدول ۳: ضرایب همبستگی و ضرایب رگرسیونی شاخص امید به زندگی

مدل	متغیرها	Beta	T	P	رگرسیونی جزئی	فرض چند خطی	
						تولرنس	عامل تورم واریانس
1	تولید ناخالص داخلی	.564	3.205	.004	.564	---	.111
۲	تولید ناخالص داخلی	-.667	-3.791	.001	-.637	.254	3.934
	درآمد سرانه	1.426	8.103	.000	.870	.254	3.934
۳	تولید ناخالص داخلی	-.698	-5.751	.000	-.813	.243	4.122
	درآمد سرانه	1.866	10.709	.000	.933	.118	8.497
	نرخ رشد اقتصادی	.271	3.502	.003	.647	.595	1.679
	سرمایه گذاری خارجی	-.664	-4.717	.000	-.753	.180	5.546
	صادرات	-.123	-1.419	.174	-.325	.479	2.088
	واردات						

[R = .564, .914 and .969] [$\Delta R^2 = .318, .517$ and $.103$] [F: 10.269, 53.059 and 43.819, $p < .005$]

تفسیر: نتایج جدول ۳ نشان می دهد که ضرایب همبستگی بسیار قوی بین متغیرهای مستقل (تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، سرمایه گذاری خارجی، نرخ رشد اقتصادی، واردات و صادرات) با متغیر وابسته (امید به زندگی) وجود دارد. بطوری که حداقل میزان ضریب همبستگی ۰.۵۶۴. برای مدل یک و حداکثر ۰.۹۶۹، برای مدل سه برآورد شده است. همین طور مقدار تغییرات ضریب تعیین (ΔR^2) در سه مدل نشان می دهد که بیشترین تغییرات امید به زندگی به سرمایه گذاری مستقیم خارجی و واردات ارتباط دارد که به میزان ۵۲ درصد تغییرات امید به زندگی در مدل دو را پیش بینی می کند. ارزش های برآورده شده از آزمون فیشر در سه مدل نشان می دهد که همه مدل های رگرسیون در کل معنی دار می باشد جدول ۳ نتایج ضرایب رگرسیونی را نشان می دهد که بر اساس این نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی حدود ۵۶ درصد از تغییرات امید به زندگی

را پیش بینی می کند و در حالیکه در مدل دو، دومین متغیر کنترل یعنی درآمد سرانه نقش پررنگ تری را بر تغییرات امید به زندگی پیدا می کند. و به میزان ۱,۴۲۶ برآورد شده است. و رابطه معنی داری را نشان می دهد. در مدل بعدی، چهار متغیر مستقل به معادله رگرسیونی افزوده می شود که نتایج نشان می دهد که تنها سه متغیر درآمد سرانه، تولید ناخالص داخلی و صادرات به عنوان متغیرهای مهم و تاثیرگذار می باشد که هر یک درصد قابل توجهی از تغییرات امید به زندگی را پیش بینی می کنند. به عبارت دیگر با افزایش درآمد سرانه و درآمدهای ملی کشور شرایط بهداشت تقویت می شود و نرخ امید به زندگی افزایش پیدا می کند.

جدول ۴: ضرایب همبستگی و ضرایب رگرسیونی شاخص مرگ و میر کودکان

مقدار ویژه	فرض چند خطی		رگرسیونی جزئی	p	T	Beta	متغیرها	مدل
	عامل تورم واریانس	تولرنس						
.۱۱۲	---	---	-.۴۰۴	.۰۳۳	-۲,۲۵۲	.404	تولید ناخالص داخلی	۱
.۱۱۷	۳.۹۳۴	.۲۵۴	.۸۰۲	.۰۰۰	۶.۷۰۸	1.019	تولید ناخالص داخلی	۲
.۰۲۱	۳.۹۳۴	.۲۵۴	-.۹۰۸	.۰۰۰	-۱۰.۸۴۷	-1.648	درآمد سرانه	
.۶۷۰	۹.۳۸۹	.۱۰۷	.۷۸۰	.۰۰۰	۵.۸۴۱	1.191	تولید ناخالص داخلی	۳
.۵۱۲	۷.۷۷۶	.۱۲۹	-.۹۰۷	.۰۰۰	-۱۰.۵۲۸	-1.870	درآمد سرانه	
.۱۲۸	۱.۰۸۴	.۹۲۲	-.۲۴۰	.۲۵۸	-۱.۱۶۲	-.080	نرخ رشد اقتصادی	
.۰۱۵	۲.۶۵۰	.۳۷۷	.۵۳۲	.۰۰۷	۲.۹۴۷	.319	سرمایه گذاری خارجی	
.۰۱۱	۲.۰۲۰	.۱۱۸	-.۱۵۷	.۴۶۴	-.۷۴۶	-.172	واردات	

$$[R = .۴۰۴, .۹۲۴ \text{ and } .9۵۰] [\Delta R^2 = .۱۶۳, .۶۹۰ \text{ and } .۰۴۰] [F: ۵,۰۷۰, ۷۲,۷۲۵ \text{ and } ۴۰,۸۰۳, p < .005]$$

تفسیر: دومین تحلیل رگرسیون چند متغیره پیرامون بررسی وضعیت بهداشت ایران به نرخ مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال می باشد. نتایج از محاسبات رگرسیونی چند متغیره از جدول ۴ وضعیت مشابه ای با اولین آزمون را نشان می دهد که ضرایب همبستگی بسیار قوی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (مرگ و میر کودکان کمتر از ۵ سال) وجود دارد. بطوری که حداقل میزان ضریب همبستگی ۰,۴۰۴ برای مدل یک و حداکثر ۰,۹۵۰ برای مدل سه برآورد شده است. بیشترین ارزش برآورده شده از تغییرات ضریب تعیین (ΔR^2) به مدل دو تعلق دارد که دو متغیر تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه به میزان ۶۹ درصد کاهش مرگ و میر کودکان را رقم می زند. همین طور، مقادیر برآورده شده از آزمون فیشر در سه مدل نشان می دهد که همه مدل های رگرسیونی در کل معنی دار می باشد. جدول فوق، نتایج ضرایب رگرسیونی چند متغیره بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی به تنهایی ۰,۴۰۴- برآورد شده است به تعبیر دیگر حدود ۴۰ درصد از تغییرات مرگ و میر کودکان را پیش بینی می کند و یک رابطه منفی و معکوس را نشان می دهد. در حالیکه در مدل دو، زمانی که دومین متغیر مستقل (درآمد سرانه) وارد محاسبات می شود مقدار تولید ناخالص داخلی بر متغیر وابسته معنی دار ولی مثبت می باشد. ولی دومین متغیر مستقل یعنی درآمد سرانه نقش پررنگ تری را بر تغییرات مرگ و میر کودکان پیدا می کند. و به میزان ۰,۶۴۸- برآورد شده است. و رابطه معنی داری، مستقیم و منفی را نشان می دهد. همچنین در مدل های بعدی، حاکی از این واقعیت است که سه متغیر درآمد سرانه، تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری خارجی به عنوان متغیرهای مهم و تاثیرگذار در سه مدل می باشد، که هر یک درصد قابل توجهی از تغییرات مرگ و میر کودکان را پیش بینی می کنند و رابطه منفی، مستقیم و معنی داری را با متغیر وابسته یعنی مرگ و میر کودکان را نشان می دهد. در حقیقت با افزایش درآمد های سرانه افراد در (مدل دو) و تولید ناخالص داخلی (مدل یک)، نرخ مرگ و میر کودکان کمتر از پنج سال بهبود حاصل می شود و درآمد سرانه به عنوان یک شاخص مهم در تغییرات مثبت مرگ و میر کودکان نقش مهمی تری دارد.

✓ دومین شاخص توسعه اجتماعی: تبیین یافته های شاخص آموزش

پیش درآمد: شاخص آموزش در بخش دوم مطالعه مورد بررسی قرار می گیرد. در حقیقت این بخش به دومین هدف تحقیق اشاره دارد. سوال تحقیق بر این اساس است که آیا یک رابطه معنی داری بین شاخص های جهانی شدن و رشد نرخ باسوادی وجود دارد؟ جدول ۵: ضرایب همبستگی شاخص و ضرایب رگرسیونی شاخص آموزش (نرخ باسوادی)

مدل	متغیرها	Beta	T	p	رگرسیونی جزئی	فرض چند خطی		مقدار ویژه
						تولرنس	عامل تورم واریانس	
۱	تولید ناخالص داخلی	.۴۶۱	۲.۶۹۷	.۰۱۲	.۴۶۱	---	---	.۱۰۷
۲	تولید ناخالص داخلی	-.۸۱۸	-۲.۲۵۲	.۰۰۰	-.۸۱۸	.۲۹۷	۳.۳۷۱	.۱۱۰
	درآمد سرانه	۱.۵۲۵	۱۳.۵۱۶	.۰۰۰	.۹۳۶	.۲۹۷	۳.۳۷۱	.۰۲۳
۳	تولید ناخالص داخلی	-.۷۷۳	-۴.۷۶۰	.۰۰۰	-.۷۰۴	.۱۳۷	۷.۲۹۱	.۶۳۸
	درآمد سرانه	۱.۶۹۵	۱۱.۳۲۹	.۰۰۰	.۹۲۱	.۱۶۱	۶.۱۹۴	.۵۵۹
	نرخ رشد اقتصادی	.۰۴۴	.۶۹۸	.۴۹۲	.۱۴۴	.۸۹۸	۱.۱۱۴	.۱۰۸
	سرمایه گذاری خارجی واردات	-.۱۳۹	-۱.۴۴۲	.۱۶۴	-.۲۸۸	.۳۸۹	۲.۵۶۸	.۰۱۶
		-.۱۳۵	-۰.۷۴۸	.۴۶۲	-.۱۵۴	.۱۱۱	۹.۰۳۴	.۰۱۴

$$[R = .۴۶۱, .۹۵۰ \text{ and } .9۵۸] [\Delta R^2 = .۲۱۲, .۶۹۰ \text{ and } .۰۱۳] [F: ۷,۲۴۷, ۱۱۹,۴۵۷ \text{ and } ۵۰,۷۳۰, p < .005]$$

تفسیر: یک تحلیل رگرسیون چند متغیره پیرامون بررسی وضعیت شاخص آموزش ایران در جدولهای ۵ نشان می دهد که ارزشهای برآورده شده بین حداقل ضریب همبستگی ۰.۴۶۱ برای مدل یک و حداکثر ۰.۹۵۸، برای مدل سه برآورد شده است. همین طور مقدار ضریب تعیین در سه مدل بین ۰.۲۱۲ تا ۰.۹۱۷. در سه مدل محاسبه شده است. ارزش های برآورده شده از تغییرات ضریب تعیین (ΔR^2) گویای این واقعیت است که دو متغیر تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه بطور همزمان بیشترین تغییرات نرخ باسواد را تعیین می کنند که ارزش برآورده شده آن به میزان ۶۹ درصد می باشد. آزمون فیش در چهار مدل نشان می دهد که همه مدل های رگرسیون در کل معنی دار می باشد. به تعبیر دیگر رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته معنی دار و مستقیم می باشد. جدول فوق نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره بیانگر آن است که تولید ناخالص داخلی به تنهایی ۰.۴۶۱ در مدل یک و درآمد سرانه ۰.۹۳۶ در مدل دو برآورد شده است به تعبیر دیگر حدود ۴۶ درصد (مدل یک) از تغییرات نرخ باسواد بوسیله تولید ناخالص داخلی و ۹۴ درصد (مدل دو) بوسیله درآمد سرانه را پیش بینی می کند و یک رابطه مثبت و معنی داری را نشان می دهد. سه متغیر دیگر تاثیرات معنی دار بر متغیر وابسته دارند. به عبارت دیگر با افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی کشور، وضعیت آموزش تقویت می شود و نرخ باسواد افزایش پیدا می کند.

✓ سومین شاخص توسعه انسانی: تبیین یافته های شاخص درآمد سرانه

پیش درآمد: براساس این تئوری، نرخ های مبادله در طولانی مدت به سمت نرخی همگرا می شوند که باعث برابری قدرت خرید در بین کشورها می گردد. آنچه باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد تفاوت بین نرخ برابری قدرت خرید و نرخ مبادله ارز در بازارهای داخلی است. در واقع این سنجش آماری به هدف سوم تحقیق و سوال سه تحقیق پاسخ می دهد. که آیا یک رابطه معنی دار بین درآمد سرانه با شاخص های جهانی شدن وجود دارد؟

جدول ۶: ضرایب همبستگی و ضرایب رگرسیونی شاخص درآمد سرانه

مقدار ویژه	فرض چند خطی		رگرسیونی جزیی	p	T	Beta	متغیرها	مدل
	عامل تورم واریانس	تولرنس						
.۰۹۰	---	---	.۶۶۴	.۰۰۰	۴.۳۵۰	.۶۶۴	تولید ناخالص داخلی	۱
.۶۱۵	۱.۰۰۱	.۹۹۹	.۶۸۰	.۰۰۰	۴.۴۴۷	.۶۵۸	تولید ناخالص داخلی	۲
.۰۸۸	۱.۰۰۱	.۹۹۹	.۳۱۵	.۱۲۵	۱.۵۹۲	.۲۳۶	نرخ رشد اقتصادی	
.۶۶۷	۲.۳۳۸	.۴۰۸	.۴۹۴	.۰۱۹	۲.۵۴۱	.۲۵۶	تولید ناخالص داخلی	۳
.۵۵۴	۱.۰۶۷	.۹۳۷	.۳۱۸	.۱۴۹	۱.۵۰۲	.۱۰۰	نرخ رشد اقتصادی	
.۱۴۳	۲.۹۴۸	.۳۳۹	.۱۲۰	.۵۹۴	.۵۴۲	.۰۶۰	سرمایه گذاری خارجی	
.۰۵۳	۲.۸۶۹	.۳۴۹	.۶۶۸	.۰۰۱	۴.۰۱۵	.۴۳۸	واردات	
.۰۱۵	۲.۵۰۸	.۳۹۹	.۶۷۹	.۰۰۱	۴.۱۳۱	.۴۲۱	شاخص اقتصادی جهانی شدن	

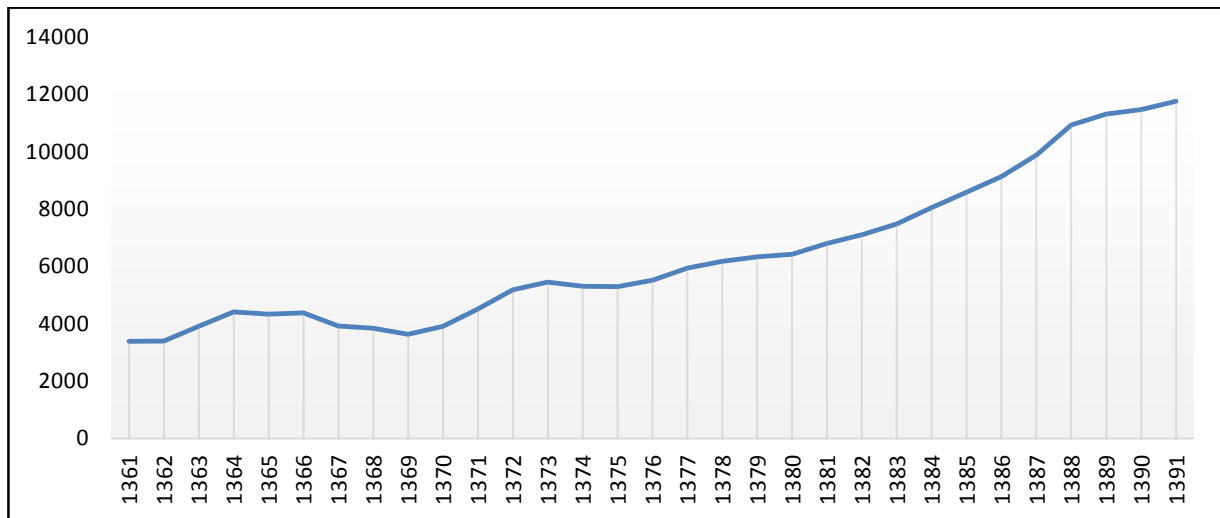
[R = .۶۶۴, .۷۰۴ and .۹۵۷] [$\Delta R^2 = .۴۴۱, .۰۵۵$ and .۱۸۳] [F: ۱۸,۹۱۹, ۱۱,۳۳۱ and ۴۴,۳۰۲, p < .005]

تفسیر: بخش سوم تحقیق یک تحلیل رگرسیون چند متغیره پیرامون بررسی وضعیت شاخص درآمد سرانه به آزمون گذاشته است. که نتایج آن در جدول ۶ مشاهده می شود. نتایج جدول فوق ارزشهای برآورده شده ضریب همبستگی را بین حداقل ضریب همبستگی ۰.۶۶۴ برای مدل یک و حداکثر ۰.۹۵۸ برای مدل سه برآورد شده است. فوق مقدار ضریب تعیین (ΔR^2) در سه مدل نشان می دهد که این ضرایب بین ۴۴۱. در مدل یک و ۱۸۳. در مدل سه بدست آمده است. به عبارت دیگر در مدل یک تولید ناخالص داخلی به میزان ۴۴ درصد، در مدل دو و در مدل سه (پنج متغیره مستقل)، ۱۸ درصد تغییرات متغیر وابسته درآمد سرانه را تبیین می کند. آزمون فیشر در سه مدل نشان می دهد که همه مدل های رگرسیونی در کل معنی دار می باشد و فرض تحقیق را مورد تایید قرار می دهند. جدول ۶ نتایج حاصله از ضرایب رگرسیونی چند متغیره بیانگر آن است که در سه مدل رگرسیونی، متغیر تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد اقتصادی بیشترین تاثیرات را در تغییرات متغیر وابسته پیش بینی می کند. بطوریکه ارزش برآورده شده تولید ناخالص داخلی بیش از ۶۶ درصد در مدل های یک و دو برآورد کرده است که نشان دهنده اهمیت این شاخص در افزایش درآمد سرانه در جامعه می باشد. و رابطه معنی داری را نشان می دهد. قدرت پیش بینی دو متغیر واردات (۴۴ درصد) و شاخص جهانی شدن (۴۲ درصد) بر تغییرات درآمد سرانه در مدل سه را بازگو می کند. در مدل سه، نتایج حاکی از این واقعیت است که تنها سه متغیر تولید ناخالص داخلی، واردات و شاخص جهانی شدن به عنوان متغیرهای مهم و تاثیرگذار می باشد که هر یک درصد قابل توجهی از تغییرات سطح درآمد سرانه را پیش بینی می کنند و رابطه معنی داری را در مدل سه نشان می دهند.

✓ تفسیر و تبیین یافته های شاخص فقر و نابرابری

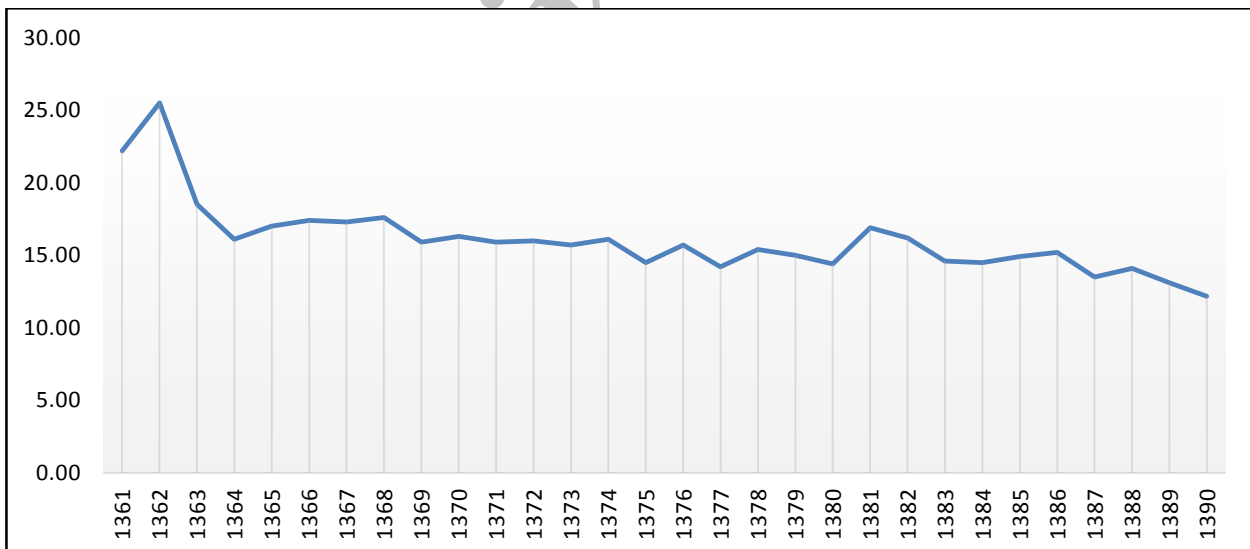
بیشتر محققان بر این باور هستند که فقر را باید از دیدگاه رفاهی نگریست و آن را به عنوان جزئی از رفاه و سلامت کلی خانوار اندازه گرفت. در این بخش سه تحلیل توصیفی را ارائه می دهیم که اشاره ای به وضعیت درآمد سرانه، ضریب جینی و سهم ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا جامعه ایران در سی سال گذشته می باشد. در حقیقت این سه تحلیل توصیفی وضعیت بهتری از بهبود شاخص های اقتصادی و اجتماعی را بازگو می کند. همین طور یک آنالیز استنباطی پیرامون رابطه جهانی شدن بر ضریب جینی را مورد آزمون قرار داده ایم که آیا یک رابطه معنی داری بین شاخص های جهانی شدن و فقر وجود دارد؟. بنابر این در این بخش به چهارمین هدف تحقیق اشاره می کند.

نمودار ۱: شاخص درآمد سرانه ایران بین سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۰



تفسیر: اولین تحلیل توصیفی در بخش هشت ارتباط به یک تحلیل توصیفی پیرامون درآمد سرانه جامعه ایران در سی سال گذشته می باشد. نمودار ۱ شاخص درآمد سرانه ایران را در سی سال گذشته به تصویر می کشاند که نشان دهنده یک رشد نسبی در درآمد سرانه می باشد. این رشد از حداقل درآمد سرانه کمتر از چهار هزار دلار در سال ۱۹۸۰ به نزدیک ۱۲ هزار دلار در ۲۰۰۹ را نشان می دهد. در این تحلیل دو نکته اساسی وجود دارد. اول که ایران یک کشور صادر کننده نفت و مواد خام دیگر می باشد. دوم آنکه آیا این رشد ایده آل می باشد و در کاهش فقر و نابرابر درآمدی در ایران تاثیر گذاشته است یا خیر؟ اکنون برای پاسخ به این سوال باید نگاهی به فقر و نابرابری درآمد داشته باشیم.

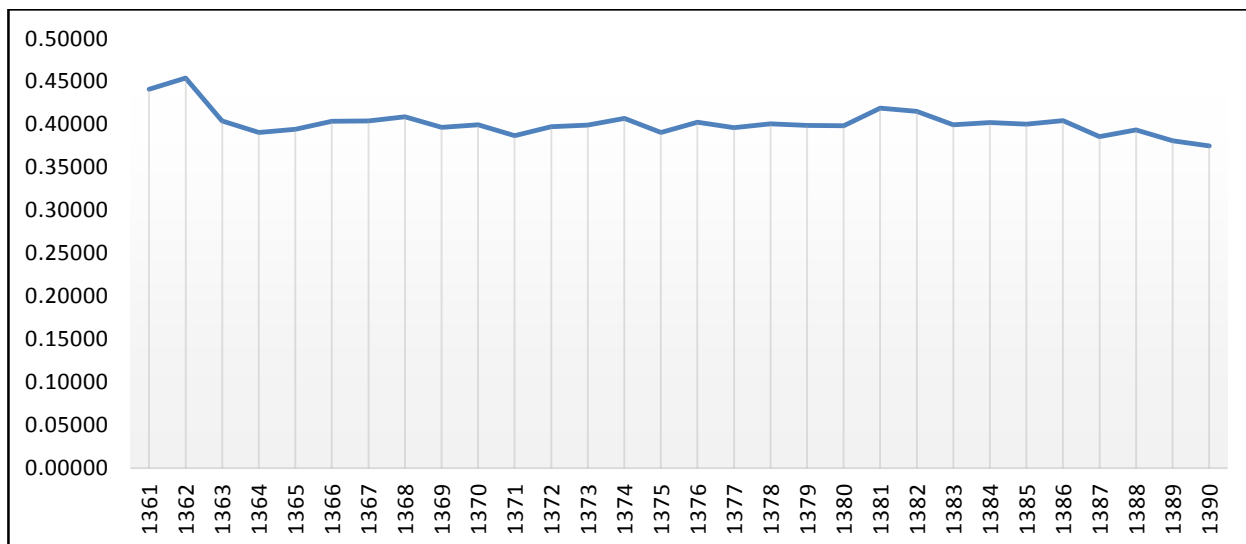
نمودار ۲: شاخص نابرابری درآمدی (۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا) بین سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۰



تفسیر: نمودار ۲ شاخص نابرابری درآمدی ایران بر اساس نسبت ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا را در سه دهه گذشته نشان می دهد که بر اساس آن یک افزایش چشمگیر بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۴ را نشان می دهد و ارزش این نابرابری درآمدی از رقم ۱۷,۹۰ در سال ۱۹۸۰ به رقم ۲۵,۵۰ در سال ۲۰۰۴ افزایش پیدا می کند. اما پس از آن کاهش چشمگیری در این شاخص مشاهده می شود. که به رقم ۱۳,۵۰ در سال ۲۰۰۸ کاهش پیدا می کند. اما در سال ۲۰۰۹ مجدداً روند افزایشی به خود می گیرد. هر چند که ارزش شاخص

نابرابری درآمدی در ایران کاهش چشمگیری داشته است اما این روند همراه با نوساناتی همراه بوده است و نمی تواند بک بهبود ایده آلی در شاخص نابرابری درآمد باشد چرا که با ارزش های واقعی برابری درآمدی در ایران فاصله زیادی هست.

نمودار ۳: شاخص فقر (ضریب جینی) ایران بین سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۹۰



تفسیر: نمودار ۳ ضریب جینی وضعیت مشابه ای با شاخص نابرابری درآمدی یا سهم ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا در ایران را در سه دهه گذشته نشان می دهد. بر اساس آن یک افزایش چشمگیر بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ میلادی را نشان می دهد و ارزش ضریب جینی از ۳۹۸۴. در سال ۱۹۸۰ به ۴۵۴۰. در سال ۱۹۸۳ افزایش پیدا می کند. اما پس از آن کاهش چشمگیری در این شاخص مشاهده می شود. که به رقم ۳۸۵۹. در سال ۲۰۰۸ کاهش پیدا می کند. هر چند که ارزش شاخص فقر یا ضریب جینی در ایران کاهش چشمگیری داشته است اما این روند همراه با نوساناتی همراه بوده است و نمی تواند بک روند ایده آلی در نابودی شاخص فقر ایران باشد چرا که با ارزش های واقعی کاهش فقر فاصله زیادی وجود دارد.

جدول ۷: ضرایب همبستگی شاخص فقر (ضریب جینی) و ضرایب رگرسیونی شاخص فقر (ضریب جینی)

مقدار ویژه	فرض چند خطی		رگرسیونی جزئی	p	T	Beta		مدل
	عامل تورم واریانس	تولرنس						
.۰۰۶	۷.۱۱۴	.۱۴۱	.۶۰۸	.۰۰۰	۳.۷۴۸	.۷۹۷	درآمد سرانه	1
.۰۰۲	۳.۱۲۲	.۳۲۰	.۸۸۶	.۰۰۰	۹.۳۶۰	۱.۳۱۹	نابرابری درآمدی	
.۰۰۱	۴.۰۰۱	-.۲۹۰	-.۲۹۰	.۱۵۱	-۱.۴۸۳	-.۲۳۷	تولید ناخالص داخلی	

[R = .920, Δ R² = .824, F = 44.395 p < .005]

تفسیر: دومین تحلیل این بخش به آنالیز رگرسیون چند متغیره پیرامون ضریب جینی (فقر) مرتبط می باشد. که اثرات چند شاخص اقتصادی را بر روی شاخص فقر مورد آزمون قرار داده است. نتایج در جدول های ۷ آورده شده است. این نتایج (جدول ۷) حاکی از یک ضریب همبستگی بسیار قوی بین متغیرهای مستقل و شاخص فقر می باشد. که ارزش برآورده شده ضریب همبستگی ۰.۹۲۰ می باشد یعنی یک همبستگی بسیار عالی بین متغیرها برقرار است. همین طور ارزش محاسبه شده تغییرات ضریب تعیین (Δ R²) ۰.۸۴۷ می باشد یعنی ارزش برآورده شده از تغییرات متغیرهای مستقل به میزان ۸۵ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی شاخص فقر (ضریب جینی) را تبیین می کند. تعبیر دیگر آن است که این شاخص، وابستگی بسیار زیادی به شاخص های اقتصادی جامعه دارد. با بهبود شاخص های مانند تولید ناخالص داخلی، و افزایش درآمد های سرانه و همینطور کاهش توزیع نابرابری های درآمدی در

جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱ / ۲۳

جامعه به بهبود شاخص فقر منجر می شود. همچنین جدول فوق حاکی از رابطه معنی دار بین متغیرهاست. جدول ۷ نتایج ضرایب رگرسیونی را آشکار کرده است. تولید ناخالص داخلی به طور مستقیم رابطه معنی داری را نشان نمی دهد. ارزش برآورد شده ضریب تاثیر (Beta) برای درآمد سرانه ۰.۷۹۷ می باشد و مقدار نابرابری درآمدی به میزان ۱,۳۱۹ محاسبه شده است. این نتایج نشان می دهد که ضریب شاخص نابرابری درآمدی یا سهم ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا رابطه بسیار قوی با شاخص فقر یا ضریب جینی دارد. همین شاخص درآمد سرانه وضعیت مشابهی با فقر دارد. این نتایج نشان می دهد که ضریب همبستگی جزیی درآمد سرانه ۶۱ درصد و نابرابری درآمدی ۸۹ درصد برآورد شده است. به تعبیر دیگر این دو شاخص به طور مجزا و فردی می توانند تاثیرات زیادی را در تغییرات شاخص فقر بوجود آورند.

نتیجه گیری

نتایج از جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی ایران در طول سه دهه گذشته همراه با نوساناتی خاصی روبرو بوده است چرا که در بعضی از مقاطع زمانی میزان این سرمایه گذاریها منفی و معکوس بوده و کشور ایران بهره چندانی از سرمایه های خارجی در اقتصاد خود نبردند. داده های مربوط به جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی کشور ایران نشان از عدم تمایل و همراه با نوسانات بسیار زیاد در طول سه دهه گذشته را آشکار کرده است. که این عدم تمایل به جذب سرمایه گذاریهای خارجی ناشی از نگاه بدبینانه دولت مردان و سیاستمداران ایرانی نسبت به پروسه جهانی شدن است.

دومین مولف جهانی شدن (تجارت خارجی) ایران از چند ویژگی مهم برخوردار بود. اول آنکه ایران یک کشور صادر کننده نفت بود، دوم آنکه در بیشتر مقاطع زمانی کشور ایران از یک عملکرد با بالانس منفی در تجارت در طول سی سال گذشته برخوردار بود. حجم واردات و صادرات ایران تحت تاثیر صدور نفت و مواد خام دیگر بود نه ناشی از افزایش مبادلات اقتصادی و جریان سرمایه گذاریهای خارجی.

یک رشد منفی اقتصادی ایران در آغاز دهه ۱۹۸۰ به رشد مثبت در اوایل دهه ۱۹۹۰ تغییر پیدا می کند. این رشد اقتصادی به بالاتر از ۱۲ درصد در سال ۱۹۹۳ رسید. این روند با افت و خیزهای ناچیزی در دو دهه ۱۳۹۰ و ۲۰۰۰ ادامه داشت. اما یک روند کاهشی در نرخ رشد اقتصادی ایران از سالهای ۲۰۰۹ شروع شده است و بیانگر آن است که اقتصاد ایران در یک سرایشی قرار گرفته شده است. تولید ناخالص داخلی ایران از رقم ۹۷ میلیارد دلار در ۱۹۸۱ به ۵۰۶ میلیارد دلار در ۲۰۱۲ می رسد ولی این افزایش درآمدی را باید ناشی از کسب فروش نفت و مواد خام دیگر دانست.

- نتایج برآورده شده از معادله رگرسیونی چند متغیره حاکی از رابطه بسیار قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می دهد. دو متغیر سرمایه گذاری خارجی و واردات (مدل دو) درصد قابل توجهی از تغییرات متغیر وابسته (تولید ناخالص داخلی) را تبیین می کند. تاریخچه تاریخی شاخص های جهانی شدن به مطالعات بسیاری از محققان و دانشمندان اقتصادی اشاره می کند که بیانگر اهمیت سرمایه گذاریهای خارجی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها تلقی می گردد. مطالعات دانینگ (۲۰۰۲)، دلال یا کوت (راجان و همکاران، ۲۰۰۸)، بررسیهای برونستین (۱۹۹۸)، توماسن (۲۰۰۸)، وان (۲۰۱۰)، مطالعات توماسن (۲۰۰۸) و نشان می دهند که یک رابطه معنی دار و قوی بین سرمایه گذاریهای خارجی با افزایش درآمد های ناخالص داخلی وجود دارد.

نتایج معادله رگرسیونی جدولهای ۳ الی ۵ گویای این واقعیت است که دو شاخص مهم و تاثیر گذار اقتصادی یعنی درآمد سرانه و تولید ناخالص داخلی بر روی افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ مرگ و میر کودکان (شاخص بهداشت) و نرخ باسوادی در جامعه ایران در طول سه دهه پس از انقلاب معنی داری بوده و زمینه های بهبود و پیشرفت را در دو شاخص مهم بهداشت و آموزش فراهم کرده است. در حقیقت یک ضریب رگرسیونی تاثیر گذار و بسیار قوی بین متغیرهای اقتصادی با شاخص بهداشت (امید به زندگی و نرخ مرگ و میر کودکان) و آموزش (نرخ باسوادی) وجود دارد.

همین طور نتایج جدول های ۶ و ۷ به رابطه بین متغیرهای اقتصادی و شاخص جهانی شدن با درآمد سرانه و ضریب جینی می پردازد. ضریب همبستگی جزیی برای متغیر تولید ناخالص داخلی ۵۸ درصد، سرمایه گذاری خارجی و شاخص جهانی شدن به میزان ۶۸ درصد تغییرات متغیر وابسته (درآمد سرانه) را پیش بینی می کنند. به عبارت دیگر با افزایش درآمدهای ملی کشور، رشد سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی و افزایش شاخص جهانی شدن، قدرت خرید افراد (درآمد سرانه) را در جامعه افزایش می دهد که این رشد تاثیرات زیادی بر بهبود زمینه های دیگر اجتماعی آنان دارد.

همین طور، شاخص (ضریب جینی)، وابستگی بسیار زیادی به شاخص های اقتصادی جامعه دارد. با بهبود شاخص های مانند تولید ناخالص داخلی، و افزایش درآمد های سرانه و همینطور کاهش توزیع نابرابری های درآمدی در جامعه به بهبود شاخص فقر منجر می شود. همچنین جدول فوق حاکی از رابطه معنی دار بین متغیرهاست. ارزش برآورد شده ضریب تاثیر (Beta) برای درآمد سرانه ۰.۷۹۷ می باشد و مقدار نابرابری درآمدی (سهم ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا) به میزان ۱,۳۱۹ محاسبه شده است. این نتایج نشان می دهد که ضریب شاخص نابرابری درآمدی یا سهم ۱۰٪ ثروتمندان به ۱۰٪ فقرا رابطه بسیار قوی با شاخص فقر یا ضریب جینی دارد. مطالعات بعمل آمده توسط پژوهشگران و محققان (پیشینه تاریخی)، بیانگر اهمیت مولفه بهداشت و سلامتی و اثرات متقابل شاخص های آن مانند امید به زندگی و نرخ مرگ و میر کودکان (بهداشت) و مولف آموزش (نرخ) با شاخص های اقتصادی و جهانی شدن می باشد. نتایج این بررسیهای نشان می دهد که با رشد شاخصهای اقتصادی و کسب درآمدهای ملی، شاخص های بهداشت و آموزش تقویت می گردد. آنچه که نتایج تحقیق حاضر تاکید بر آن دارد و بین شاخص های جهانی شدن اقتصادی با بهبود و پیشرفت بهداشت و آموزش کشور به عنوان دو شاخص مهم توسعه اجتماعی یک رابطه معنی دار و قوی وجود دارد. در حقیقت، این فرضیه به اثبات رسیده که سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی به واسطه آزاد سازی اقتصادی، رشد اقتصادی را تقویت می کند. و رشد اقتصادی بهبود زمینه های اجتماعی را تسریع می کند. بنابر این با روند افزایشی درآمدهای ملی و تقویت برابر قدرت خرید مردم در جامعه، تمام سطوح آموزش و بهداشت تقویت می شود. که با بررسی های به عمل آمده در این مطالعه یکسان می باشد.

منابع

۱. آذربایجانی، کریم و همکاران (۱۳۹۱)، سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر جریانهای تجار بخش صنعت در کشورهای عضو همکاری اقتصادی OECD، مجله اقتصادی توسعه و برنامه ریزی، سال اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱. صص ۹۴-۶۹.
۲. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. ۱۳۸۴. جامعه شناسی توسعه، تهران، انتشارات کیهان، چاپ پنجم.
۳. اسدی، علی، اسماعیلی، سید میثم. ۱۳۹۲. تاثیر شاخص های توسعه بر رشد اقتصادی در قالب مدل مارکوف- سوئچینگ، فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۲.
۴. بیگدلی، محمد تقی. ۱۳۸۴. رابطه بین میزان باروری و توسعه اقتصادی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال، پنجم، شماره ۲۱، صص ۴۰-۱۲۳.
۵. جلالی، سید عبدالمجید، ستاری، امید. ۱۳۹۰. بررسی و پیش بینی اثر جهانی شدن اقتصاد بر توزیع درآمد در جامعه شهری ایران با استفاده از شبکه های عصبی، مجله پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم.
۶. جلالی نائینی، احمدرضا و محمدرضا زاده محمدی. (۱۳۷۵). صادرات و رشد اقتصادی. پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۱.
۷. چهاربند، فرزانه، مومنی، فرشاد. ۱۳۹۰. چالشها و چشم اندازهای توسعه مبتنی بر دانایی ایران: نگاه از زاویه آموزش، فصلنامه رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۴. صص ۷۵-۱۱۵.
۸. خداداد کاشی، فرهاد، حیدری، خلیل، باقری، فریده. ۱۳۸۴. برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۶۳. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
۹. دادگر، یداله، تاج میدانی، علی اکبر. ۱۳۸۲. شاخص های جهانی شدن اقتصاد و موقعیت ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۹.

جهانی شدن و توسعه اجتماعی ایران در سه دهه گذشته بین سال های ۱۳۶۱ - ۱۳۹۱ / ۲۵

۱۰. راغفر، حسین، ابراهیمی، آزاده. ۱۳۸۷. نابرابری درآمدی در ایران طی سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۶۳، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
۱۱. رییس دانا، فریریز. ۱۳۸۴. اندازه گیر شاخص فقر و پویش فقر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
۱۲. زاهدی اصل، محمد جواد. ۱۳۸۲. توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، تهران، چاپ سوم.
۱۳. علاء الدینی، پویا، امامی، یحیی. ۱۳۸۴. جهانی شدن، مهاجرت و فقر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۴. علمی، زهرا. ۱۳۸۶. اثر آموزش بر رشد اقتصادی ایران در سالهای ۱۳۸۲ - ۱۳۵۰. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، رون خط فقر و شاخص های فقر در ایران طی سالهای ۸۵-۱۳۷۵، مجله گزیده های مطالب آماری، سال ۱۸، شماره ۲.
۱۵. فرزین، محمد رضا، اشرفی، یکتا، فهیمی فر، فاطمه، ۱۳۹۱. بررسی اثر سرمایه گذارهای مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی: تلفیق روش های سیستم دینامیک و اقتصاد سنجی، فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۱، ص. ۶۲-۲۹.
۱۶. قاسمیان، سعید. ۱۳۸۴. کاهش فقر در ایران: چالش ها و افق ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۷. کچویان، حسین. ۱۳۸۵. نظریه های جهانی شدن و دین. نشر نی.
۱۸. هال، آنتونی، میجلی، جیمز. ۱۳۸۸. سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
۱۹. همتی، فریده. ۱۳۹۰. سیاست اجتماعی: نظریات کلاسیک، مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه ای، انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.

20. Aghaee, saed davood., & Jadi, Sohaela. 2008. The perspective of poverty in the globalization age. Political Quarterly, Iran, Tehran, University of Tehran Electronic Journal Database (JPQ), Vol. 2.
21. Alasuutari, P. 2006. The globalization of qualitative research. In C. Seale, G. Gobo, J. Gubrium and D. Silvermen (Eds). Qualitative research Practice. London. Sage publication.
22. Albrow, Martin. 1996. The Global Age: State and Society Beyond Modernity. Polity Press.
23. Alfaro L., Chanda, A., Kalemli, Ozean, S., & Sayek S. 2004. FDI and economic growth: the role of local financial markets. Journal of International Economic, Vol. 64. P 89-112.
24. Bakhtiari, Sadegh. 2006. Globalization and education: challenges and opportunities, International Business & Economic Research Journal, Iran Tehran, Volume 5(2).
25. Berger, Peter L., & Huntington, Samuel. 2003. Many Globalization; Cultural Diversity in the Contemporary World. London, Oxford University Press.
26. Central Bank of Iranian. 2011. Annual Reports, Iran, Tehran. www.cbi.ir.
27. Chairsisawatsuk, Santi., & Wisit. 2007. Import, export and foreign direct investment interactions and their effects, Asia-Pacific Research and Training Network on Trade Working paper series, No 45.
28. Chang, Chan & Lee, Chin-Chiang. 2010. Globalization and economic growth: A political economic analysis for OECD Countries. Journal of global economic review, Vol. 39, No. 2, p. 151-173.
29. Cornia, Giovanni, andrea. 2001. Globalization and health: results and options. Bulletin of World Health Organization, Vol. 79 (9).
30. Corti, Louise, Witzel, Andreas & Bishop, Lbby. 2005. On the Potentials and Problems of Secondary Analysis. An Introduction to the FQS Special Issue on Secondary Analysis of Qualitative Data, Forum Qualitative Social research Journal, Vol. 6 No.1 Art. 49.
31. Djavadi Salehi-Isfahani. 2006. Revolution and redistribution in Iran: poverty and inequality 25 years later. Department of Economics Working Paper, Virginia Tech University, www.filebox.vt.edu/users/salehi/Iran_poverty_trend.pdf.
32. Dollar, David., & Kraay, Art. 2001. Trade, growth, and poverty, World Bank Policy Research Working Paper. No. 2615. <http://econ.worldbank.org/staff/akraay>.
33. Emma, Smith . 2008. Using Secondary Data in Educational and social Research, New York, the McGraw-Hill Companies.

34. Feenstra, R. C., & Hanson. 1997. Foreign direct investment and alternative wages, evidence from Mexico's Maquiladoras, *J. Int. Econ.*, 42(3/4). p 371-393.
35. Held, David. 1995. *Democracy and the Global Order: From the Modern State to Cosmopolitan Governance* (Stanford: Stanford University Press).
36. Jacob, K., K. 1992. *Social Development Perspectives*. Himanshu, India, New Dehli.
37. Jacobs, Garry and Cleveland, Harlan. 1999. *Social development Theory*. www.icpd.org/development_theory/SocialDevTheory.htm
38. KOF Globalization Index. (www.globalization.kof.ethz.ch/).
39. Mahdavi, Abolghasam. 2005. *Economic Growth and Investment*. Iran, Tehran, Gangel Press.
40. Ravallion, Martin. 2001. *Measuring pro poor Growth*. Department Research Group, World Bank.
41. Rossi, Ion. 2007. *Frontiers of Globalization Research*. Springer Press.
42. Schulte, Jan Art. 2000. *Globalization: a Critical Introduction's*, New York, Palgrave Press.
43. United Nation Development Programs (UNDP, HDI Reports). 1999 to 2014. New York. www.hdr.org.
44. United Nation Development Programs, (UNDP). 2002. *Globalization and development, Twenty-ninth Sessions, Brazil*. www.undp.org.
45. United Nation Research Institute of Social Development (UNRISD). 1999. ۲۰۰۰ Annual Report, New York. www.unrisd.org.
46. United Nation, United Nation Conference on trade and development, (UNCTAD). 1990-2010. *World Investment Report*, New York www.unctad.org.
47. Waters, Malcolm. 1995. *Globalization*. UK, London; Rout ledge Press.

Archive of SID